پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۳۰ بهار ۱۳۹۷
No.30 Spring 2018
۸۰-۶۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

بینش و روش در تاریخ‌نگاری سیفی هروی

عبدالرئوف نصیری جوزقانی: دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز

چکیده

تاریخنامه هرات مهمترین و یگانه اثر تاریخ محلی خراسان در عصر مغول و ایلخانی می‌باشد که توسط سیفی هروی در هرات در دربار ملوک کرت (حکومت ۷۸۳- ٦۴۳ق) به نگارش در آمده است. این اثر برای نگارش تاریخ سیاسی و به‌ویژه اجتماعی خراسان در عصر مذکور از منبع اصلی و دست اول محسوب می‌شود. در این مقاله با روش توصیفی-روایی و تحلیلی به بررسی بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری سیفی هروی پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که سیفی هروی با چه بینش و روشی به نگارش تاریخنامه هرات پرداخته است؟ در نهایت این نتیجه حاصل شد که هرچند او تاریخش را بنا به درخواست حاکمیت زمانش می‌نویسد، با این وجود در نظام فکری و در بینش تاریخ‌نگاری سیفی‌هروی هدف از پرداختن به تاریخ فایده‌مندی برای آیندگان و تنبیه و آگاهی بخشی برای نخبگان حاکم بر جامعه به طور خاص و برای عوام به طور عام می‌باشد. از لحاظ روش‌شناسی تاریخی نیز روش وی تلفیقی از سنت تاریخ‌نگاری روایی و تحلیلی است که برای تبیین وقایع تاریخی به ذکر مستندات تاریخی می‌پردازد و با استفاده از جرح و تعدیل داده‌های تاریخی متنوع، دست به گزینش می‌زند تا به حقیقت تاریخی دست یابد.

واژگان کلیدی: تاریخنامه هرات، سیفی‌هروی، تاریخنگاری، خراسان، ایلخانی.

Abstract

Khorasan was one of the most important states of Iran during the Mongol and Ilkhani times. The history of Herat is the most important and unique work of the local history of Khorasan in the Mughal and Ilkhani era, written by Seyfi Heravi in Herat at the Maluku Korte court (rule 643-783).This work is considered to be the first and foremost source for writing the political and social history of Khorasan in the aforementioned era. In this article, through the descriptive-narrative and analytical method, the insight and method of ruling on Seyfi Heravi historiography has been studied. The main question of the research is that, how did Seyfi Heravi write the history of Herat? And it was finally concluded that, although he writes his history at the request of the sovereignty of his time, Nevertheless, in the intellectual system and in the historiography of Saifi Heravi, the aim is to address the usefulness of history for the future generations and to punish and inform the elites who rule the community explicitly and for the public in general. ". In terms of historical methodology, his method is also a combination of a narrative and historiography that refers to historical documentation for the purpose of explaining historical events and by using various historical data, he chooses to reach the historical truth.

Keywords: History of Herat, Seyfi Heravi, Historiography, Khorasan, Ilkhani

*نویسنده مسئول مکاتبات: عبدالرئوف نصیری جوزقانی (۰۹۱۵۲۲۸۱۹۹۵) (abdorraoufnasiri@gmail.com)

مقدمه

تاریخ‌نویسی محلی از ارزنده‌ترین منابع تاریخ ایران و از اشکال و گونه‌های مهم تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی به شمار می‌رود. تواریخ محلی به درخواست و تشویق فرمانروایان محلی با انگیزه‌هایی چون حب وطن و تفاخر محلی، توسط مورخین محلی برای نشان‌دادن جایگاه و پیشینه تاریخی یک منطقه در دورهٔ خاص یا طولانی به نگارش درآمده‌اند. تواریخ محلی ایران ضمن اینکه از تنوع فراوانی برخوردارند، در کنار تواریخ عمومی و دودمانی-سلسله‌ای، آثار تاریخ‌نویسی ایرانی را شکل می‌دهند. پیشینهٔ نگارش تواریخ محلی در ایران به سده‌های نخستین دوران اسلامی بر می‌گردد (آژند، ۱۳۸۸: ۲۸۳؛ قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۱۱٤). در دوره‌های بعد نیز نگارش تواریخ محلی تداوم یافت. از جمله این دوره‌ها دورهٔ ایلخانی است. سهم خراسان عهد ایلخانی در تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی کتاب *تاریخنامه هرات* از سیفی هروی است. از آنجا که مهمترین و یگانه اثر تاریخ محلی خراسان در عهد مذکور *تاریخنامه هرات* است که توسط سیفی هروی به نگارش در آمده (آژند، ۱۳۸۸: ۲۸۵) و برای تبیین بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری محلی خراسان در عهد ایلخانی و نیز تبیین تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خراسان در عهد ایلخانی از منابع دست اول محسوب می‌شود و اکثر مورخین خراسانی پس از او، مستقیم یا غیرمستقیم از او تأثیر پذیرفته‌اند؛ نگارنده در این پژوهش بر آن است تا با بررسی *تاریخنامه هرات*، بینش و روش تاریخنگاری سیفی هروی را تبیین نماید.

پیشینه پژوهش

دربارهٔ پیشینهٔ پژوهش حاضر باید بیان کرد که مصححین کتاب *تاریخنامه هرات*، یعنی محمدزبیر صدیقی و غلامرضا طباطبایی مجد در مقدمه مصحح به معرفی مؤلف پرداخته‌اند که بیشتر به معرفی زندگی نویسنده و نیز جنبهٔ ادیبانهٔ نویسندگی او توجه نمودند و به بینش و روش تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری وی کمتر توجه کرده‌اند (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۲۱-۸؛ ٤۵-۲٤). محمدآصف فکرت نیز کتاب *تاریخنامه هرات* را که توسط صدیقی در کلکته چاپ شده بود با حذف عبارات ادبیِ متکلف آن و خلاصه کردن متن کتاب آن را تحت عنوان «*پیراسته تاریخنامه هرات*» در سال ۱۳۸۰ توسط موقوفات محمود افشار چاپ کرده است و بسیار مختصر به روش تاریخ‌نویسی سیفی هروی اشاره کرده است (فکرت، ۱۳۸۰: ۳). آژند نیز در مقاله‌ای با عنوان «*تاریخ‌نگاری محلی ایران*» به طور مختصر به معرفی سیفی هروی به عنوان شاعر و مورخِ هراتی در عصر مغول پرداخته است بدون آن که به بررسی روش و بینش او در تاریخ‌نگاری بپردازد (آژند، ۱۳۸۸: ۲۸۵). همچنین نویسندگان مقالهٔ «*تاریخ‌نگاری محلی در دوره مغول و شاخصه‌های آن*» که در دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی دانشگاه پیام‌نور در سال ۱۳۹۲ چاپ شده است، در یک بررسی عالمانه ضمن بیان شاخصه‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران در عصر مذکور، به بررسی *تاریخنامه هرات* نیز در کنار دیگر آثار تاریخ‌نگاری محلی ایران پرداخته‌اند. نویسندگان این مقاله صرفاً از منظر انگیزه‌های تاریخ‌نگاری محلی به این اثر توجه داشته و مطلب خاصی دربارهٔ بینش و روش تاریخ‌نگاری مصنف کتاب ندارند (چلونگر و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲-۶۵). از آنجا که به جز موارد فوق تاکنون از دیگر صاحبنظران به بررسی بینش و روش تاریخ نگاری سیفی هروی در یک بررسی جامع و اختصاصی نپرداخته‌اند، انجام این مهم ضرورت می‌یابد.

روش پژوهش

در این پژوهش با روش توصیفی- روایی و تحلیلی به بررسی بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری سیفی هروی پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که سیفی هروی با چه بینش و روشی به نگارش تاریخنامه هرات پرداخته است؟ پاسخ به سؤال تحقیق این است که سیفی به همان روش سنتی حاکم بر نگارش تاریخ توسط مورخان به مانند گذشتگان به روش روایی به بیان مسائل سیاسی مرتبط با هیأت حاکمه، به تدوین *تاریخنامه هرات* همت نموده است.

زندگی و زمانه سیفی هروی

سیفی هروی متولد ٦٨١ق در شهر هرات است. هرات در این زمان پایتخت حکومت ملوک کرت بود. ملوک کرت نام سلسله‌ای است محلی که از ٦٤٣ تا ۷۸۳ق بر هرات و به‌طور کلی بر نیمهٔ شرقی خراسان بزرگ تحت تابعیت مغولان و ایلخانان حکومت داشتند. اجداد این خاندان از خانواده

«مَرغنی» هرات بودند[1] (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۲۲) – مَرغن همان جایی است که امروزه در هرات به سَرَک منارها مسمی است (کبیری: ۱۳۸۹/۵/۲۳)- وجه‌تسمیهٔ این سلسله به قریهٔ «کورت» از توابع بلوک «گذره» هرات بر می‌گردد. صاحب رساله طریق قسمت آب قُلْبْ آورده است که «قریه کُوْرْت» از توابع هرات و از «بلوك كذره» [گُذره]است، «کُوْرْت به ضمّ کاف و سکون واو و راء» (ابونصری هروی، ۱۳۴۷: ۴۵). از آنجا که این ملوک از این قریه برخاسته‌اند به ملوک کرت مسمی شدند (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۹).

سیفی هروی ابتدا وارد دربار ملک فخرالدین کُرت (حکومت ۶۹۳- ۷۰۶ق) شد. سیفی در روزگار آشفته‌ای که ملک فخرالدین به «اسکلجه/ امان کوه» در منطقهٔ خیسارِ غور رفت و جمال‌الدین محمد سام، سردار مشهورش را در هرات گماشت و جمال‌الدین محمدسام، دانشمند بهادر سردار مغول را در قلعهٔ «اختیارالدین» کشت، سام‌نامه را در شرح جنگ‌آوری‌ها و دلاوری‌های جمال‌الدین محمد سام در دفاع از خاک و وطن خویش در بیست‌هزار بیت به نظم آورد. منظومهٔ حماسی سام‌نامه که با خط خوش و مزین شده به تصاویر بوده پس از آن که بوجای پسر دانشمند بهادر، هرات را با تسلیم شدن محمد سام تصرف کرد، از بین بُرد. سیفی هروی پس از آن که به اسارت بوجای در آمد، به واسطهٔ آن که در سام‌نامه از دانشمند بهادر به بزرگی و دلاوری یاد کرده بود، بخشیده شد. به گفته سیفی هروی، از میان ۷۸ تن، تنها او و شخصی به نام «حسن مقرب» با دادن خط بندگی و گناهکاری خلاص شدند. این واقعه در ۷۰۶ق بود (سیفی‌هروی، ۱۳۵۲: ۵۴۰-۵۳۹).

سیفی هروی پس از اعتراف به گناهش، از اسارت بوجای آزاد شد. چندی در انزوا زندگی کرد و سرانجام در ۷۱۷ق به دربار ملک غیاث‌الدین محمد کُرت برادر ملک فخرالدین راه یافت. حکیم سعد الدین منجم غوری، استاد سیفی‌هروی بود. سیفی‌هروی با وساطت استاد خود به دربار ملک غیاث‌الدین وارد شد. سیفی هشتاد قصیده و غزل و یکصد و پنچاه قطعه در مدح ملک غیاث‌الدین سروده است. با این که سیفی در ۷۱۷ ق وارد دربار ملک غیاث‌الدین محمد کُرت شد، در ابتدا مورد التفات قرار نگرفت، امّا سیفی کتابی به نام مجموعه غیاثی تألیف کرد و برای رضایت خاطر ملک، به وی تقدیم کرد، ملک پذیرفت و او را مأمور نوشتن تاریخنامه هرات کرد (سیفی‌هروی، ۱۳۸۵: ۴۹؛ صدیقی، ۱۳۵۲: ۳۶۲؛ مایل‌هروی، ۱۳۴۷: ۱۱۳-۱۱۲؛ صفا، ۱۳۵۲: ۳۵۹). امروزه مجموعه غیاثی مفقود است. از زندگانی سیفی‌هروی پس از سال ۷۲۱ق دیگر اطلاعی نداریم. احتمالاً اندکی پس از این فوت کرده باشد.

معرفی تاریخنامه هرات

تاریخنامه‌هرات، جزو تاریخ‌های محلی خراسان در عصر ایلخانان است که تاریخ اختصاصی سلسله ملوك‌کُرْت هرات نیز محسوب می‌شود که توسط مورخ رسمی آن‌ها یعنی سیف بن محمد بن یعقوب هروی و به دستور ملك غیاث‌الدین محمد کُرت (حکومت ۷۲۹-۷۰۷ق)، و به حمایت و تشویق خواجه شهاب بن عزیزالدین شهاب سق - وزیر و منشی ملك غیاث‌الدین محمد کرت- نگاشته شده است (سیفی‌هروی، ۱۳۸۵: ۳۸۰).

سیفی در معرفی خواجه شهاب‌الدین سق می‌نویسد: «و صدر معظم معدن اللطف و الكرم خواجه شهاب بن صدراعظم عزیزالدین شهاب سق را که منشی حضرت علماء ملک اسلام [غیاث‌الدین محمد کرت] است و مربی اهل فضل و هنر، ... اگر تربیت و تفقد و انعام مترادف او نبودی، این تاریخ‌نامه که صد و بیست تا کاغذ است سالها به انجام نپیوستی و بی کرم و تقویت او چنین کتاب معتبر در دو سال و نیم به آخر نرسیدی...» (همان: ۶۴۲-۶۴۱).

سیفی بسیاری از وقایع سلسله ملوک کرت را به چشم مشاهده کرده است. تاریخنامه‌هرات طی سال های ۷۱۸ تا ۷۲۱ق نگاشته شده است. مطالب کتاب از وقایع سال‌های اولیهٔ حملهٔ چنگیزخان (۶۱۸ق) تا سال شانزدهم سلطنت ملك غیاث‌الدین، ۷۲۱ق را در بر می‌گیرد (همان: ۴۹). در این اثر وقایع تاریخی هرات و ولایات تابعهٔ آن به صورت سالشماری به تاریخ قمری تنظیم شده است. تاریخنامه‌هرات نه تنها از لحاظ روش و سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی این

۱. برای اطلاع بیشتر از خاندان مرغنی رک: نصیری، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۴.

دوره مهم است بلکه از لحاظ ادبی نیز بسیار اهمیت دارد و نمونه‌ای عالی از نثر فارسی در قرن هشتم هجری است.

منابع استنادی سیفی هروی در تألیف تاریخنامه هرات

تاریخ محلی تحت تأثیر منابع موجود در هر محل و منطقه‌ای است (بلک، ۱۳۹۰: ۱۱۷). سیفی‌هروی در روش تاریخ‌نگاری خود امانتداری را رعایت‌کرده است. وی در هنگامی که رویدادهای تاریخی را بیان می‌کند، از منابع استنادی خود به روشنی یاد می‌کند. مراجع و منابع سیفی‌هروی در تألیف تاریخنامه هرات، شامل سه دسته می‌باشد: نخست مشاهدات و تجربیات خود مورخ -که بیشتر همان وقایع عصر ملك فخرالدین که از زمان شش سالگی‌اش در ٦٨٧ق به یاد دارد تا وقایع عصر ملك غیاث‌الدین محمد تا سال ۷۲۱ق را شامل می‌شود. برای نمونه زمانی که آوارگی مردم هرات را به واسطه غارتگری نکودریان نقل می‌کند، می‌نویسد: «...قرب دوهزار بنه‌وار مردم از شهر بیرون رفت و بنده‌ی مذنب سیفی –که جمع کنندهٔ این کتاب است- در آن وقت شش‌ساله بود و یاد دارد که خلق از شهر هرات بیشتر پیاده به اسفزار و جام و خواف و غور و غرجستان می‌رفتند...» (سیفی‌هروی، ۱۳۸۵: ۴۰۳).

دوم روایاتی را شامل می‌شود که از زبان شاهدان عینی و نیز فرزندان آن‌ها در ارتباط با ویرانی شهر هرات و سپس آبادانی آن نقل می‌کند که به یك واسطه از پدرانشان شنیده‌اند (همان: ۱۷۵)، این گزارش‌ها با عباراتی به شرح ذیل شروع می‌شود: «چنین می‌گوید بندهٔ ضعیف، مؤلف این تاریخنامه که در تواریخ متقدمان مسطور و مذکور دیدم و از پیرانِ سخندانِ معروف و مشهور شنیدم...» (همان: ۸۷)؛ «چنین شنودم از راویان فرخنده رای» (همان: ٩٦)؛ «چنین شنودم از راویان ستوده صفات و از پیران شهر معموره هرات» (همان: ۱۰۵)؛ «چنین شنودم از راویان معتبر با خبر و از ناقلان با دها و ذکا» (همان: ۱۲۸)؛ «ثقات هرات چنین روایت کردند» (همان: ٦٢٢، ۱۱۱)؛ «ثقات روات چنین گفتند» (همان: ۱۳۱)؛ «ثقات هرات گفتند» (همان: ۳۲۸، ۲۴۵)؛ «از خواجه ابوبکر خنبه‌ای شنیدم که او گفت» (همان: ۲۷۰، ۱۱۲)؛ «راوی چنین گفت» (همان، ٦٦٠، ۵۸۴، ۴۰۷، ۳۲۳، ۲۰۷، ۱۸۷، ۱۷٦)؛ «راوی چنین گوید» (همان: ۲۰۸)؛ «راوی چنین تقریر کرد» (۷۰۹، ٦٨٣، ٦٥٠، ٥٦٧، ۴۱۱، ۲۷۳، ۲۴۳، ۲۱۷، ۱۰۲، ۹۲)؛ «چنین شنودم از راویان هرات» (همان: ۱۱۹)؛ «از ثقات هرات چنین شنودم» (همان: ۱۷۸)؛ «چنان شنیدم از ثقات هرات» (همان: ۱۸۳)؛ «چنین شنیدم از ثقات هرات» (همان: ۲۴۱)؛ «بعضی روات چنین تقریر کرده‌اند» (۳۰۱، ۱۹۹، ۱۷۴)؛ «چنین شنودم» (همان: ۷۵۵).

مشاهدات و شنیده‌های سیفی یکی از شاخصه‌های مهمی است که باعث امتیاز اثر وی نسبت به سایر منابع تاریخ محلی خراسان شده که پس از او دربارهٔ خراسان و به ویژه هرات در عهد مغول نوشته شده است. اطلاعات ارائه شده توسط سیفی هروی دربارهٔ تاریخ هرات از هنگام هجوم مغول تا سال ٦٤٣ ق را در دیگر منابع این عصر نمی‌توان دید و منحصراً توسط وی نقل شده و سایر منابع متأخر چون روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات و تاریخ سلاطین کرت از او نقل روایت کرده‌اند (رک: حافظ ابرو، ۱۳۸۹: ١٦٧-١؛ اسفزاری، ۱۳۳۸: ۵۲۲/۱-٤٠٠). گزارش‌های تاریخی او از هرات در آن برههٔ زمانی به خوبی نقش عیاران و پهلوانان هراتی را در عمران و آبادانی هرات پس از ویرانی آن توسط سپاهیان چنگیز نشان‌داده است.

سوم شامل کتب تاریخی و ادبی و نیز مکتوباتی می‌شود که سیفی هروی در بیان گزارش‌های تاریخی، با عناوینی چون: «چنین می‌گوید بندهٔ ضعیف، مؤلف این کتاب، که در «تاریخنامه هرات» ... که از مؤلفات شیخ ... ثقه‌الدین عبدالرحمن عبدالجبار فامی است- آورده است...» (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ٦٤)، «در تواریخ چنین مذکور و مسطور است» (همان: ۹۴)، «بندهٔ ضعیف، مؤلف این کتاب، چند کتب که در تواریخ احوال خراسان مطالعه کرد»، «چنین خواندم در تاریخ جهانگشای» یا «در تاریخ علائی چنین آورده است» (همان: ۹۷، ۹۵)، «در تاریخ خراسان چنین آورده است» (همان: ۱۰۰)، «در تواریخ چنین خواندم» (همان: ۱۰٦)، «در تاریخ سراج منهاج چنین مذکور و مسطور است» (همان: ۱۱۱، ۱۰۷)، «و خواجه رشیدالدوله در تاریخنامه غازانی چنین آورده است» (همان: ۳۸۰)، «چنین خوانده‌ام در کتابی که موسوم است به «اخلاق خانی» (همان: ۱۳۱)، به آن‌ها استناد کرده است؛ علاوه بر این، سیفی از رسائل و مکتوباتی که در آرشیو سلطنتی ملوك‌کُرت که مورخ

رسمی‌شان بوده استفاده کرده و در نگارش و تدوین برخی از این مکتوبات، خود سیفی هروی نیز به عنوان یك ادیبِ شاعر و مورخ نقش داشته است؛ به نظر می‌رسد که سیفی هروی در ذکر احادیث و روایات فراوان و نیز ذکر مواردی چون «ثقات چنین روایت کرده‌اند»، در تاریخنامه هرات، متأثر از منهاج سراج باشد. منهاج در ذکر وقایع از این روش برای استناد استفاده کرده است (جوزجانی، ۱۳۸۹: ۲/۱۲۰، ۱۰۴). حافظ ابرو، سیفی را در زمرهٔ علمای هرات و با عنوان «مولانا سیفی» نام می‌برد (حافظ ابرو، ۱۳۸۹: ۲۱۸). در واقع در این بخش از تاریخ او بینش شریعتمدارانه غالب است.

از منابعی که مورد استفاده سیفی هروی قرار گرفته، تاریخ هرات تألیف شیخ عبدالله فامی متأسفانه امروزه مفقود است (سیفی‌هروی، ۱۳۸۵: ۲۹)، خوشبختانه سیفی‌هروی بخش‌هایی از آن را در تاریخنامه هرات جاودان کرده است، از جمله اطلاعاتی که سیفی دربارهٔ خاندان‌های قدیمی هرات چون مرغنی ارائه کرده از این اثر اقتباس شده است که این ارزش تاریخنامه هرات سیفی را چندین برابر کرده است (سیفی هروی به نقل از فامی، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۷۶).

همچنین یکی از منابع اصلی سیفی هروی در تألیف اثرش، کُرْت‌نامه ربیعی است. صدرالدین خطیب فوشنجی، مشهور به ربیعی، در این اثر، تاریخ ملوك‌کُرت را تا ۷۰۲ ق که در زندان ملك فخرالدین زندگی‌اش به سرانجام رسید، به سبك شاهنامه سروده است (همان: ۴۷۷-۴۷۱، ۴۱۶). تصنیف کُرْت‌نامه قبل از تاریخنامه هرات بوده است. متأسفانه در گذر زمان کُرْت‌نامه مفقود شده‌است، امّا خوشبختانه سیفی هروی بخش‌هایی از ابیات آن را متناسب با موضوع و به طور پراکنده در تاریخنامه هرات آورده‌است (فصیحی، ۱۳۳۹: ۹-۸؛ صفا، ۱۳۵۲: ۳/۳۵۸). اکثر اطلاعات سیفی دربارهٔ فوشنج از کرت‌نامه ربیعی گرفته شده است (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۴۳۸، ۶۳).

بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری سیفی هروی

دوری از بخل و تعصب

سیفی هروی اهل تعصب و جانبداری در نوشتن تاریخ نیست، سعی کرده تا جایی که ممکن است از تعصب و بخل در نگارش تاریخنامه هرات دوری گزیند و با دیدی منصفانه دست به نگارش تاریخ بزند، هرچند عرق محلی او و تعلق خاطر به ایران و مفاخر باستانی آن قوی می‌باشد؛ وی مأمور نوشتن تاریخ از سوی دستگاه حکومت هرات بوده است. خودش می‌نویسد: «هر چند ذکر تواریخ شهر مرو و نیشابور و مواضعی دیگر با ذکر تواریخ شهر هرات نسبتی ندارد، اما بندهٔ ضعیف، مؤلف این کتاب، چند کتب که در تواریخ احوال خراسان مطالعه کرد، در همه مسطور دید که هر یك از مصنّفان و مؤلفان در بازنمودن تواریخ شهر خود تطویل تمام و شرح و بسط عظیم به جای آورده بودند و تواریخ شهر هرات را به رمزی بسنده کرده. بندهٔ ضعیف بیش از قصص هرات، حکایات مرو و نیشابور را که از امّهات بلاد خراسان است در قلم آورد تا ارباب خرد و اصحاب تمیز بدانند که بندهٔ اضعف را در سخن‌گذاری و تألیف حکایات بُخْلی نیست، خاصّه که مأمور است بدان که حضرت علیا، ملك ملوك اسلام، شهریار انام فی الایّام، ظلّ الله فی الارض، القایم بالنفل و الفرض، مَفخَر زَوّار یثرب حرم، شاهنشاه دیار عجم، غیاث‌الحقّ والدین، المخصوص بمواهب ربّ العالمین، خلَّد الله مُلکُه و سلطانه و اظهر حجّته و برهانه، فرموده‌اند که چون به قصّه‌ای رسی از قصص خراسان، چندانک امکان دارد به وجه راستی آن قصّه را بپرداز و به زینت فصاحت زیب ده» (همان: ۹۵).

از فحوای کلام نویسنده تاریخنامه هرات بر می‌آید که اگر چه او در اثرش به نقادی آثار دیگر نپرداخته ولی مطابق معیار خودش به انتخاب اخبار و رد اخبار دیگر از میان آنچه در میان نوشته‌های منابع هم‌عصر یا متقدم آمده دست زده و کوشیده صحیح‌ترین مطالب را در کتابش بیاورد. «... بعد از این ... در تواریخ احوال ملوك اسلام غور ...شروع کنم و بر وجه صدق آنچه حادث شده باشد، بنویسم؛ چه، حکم عالی... به نفاذ پیوسته که قصص و حکایاتی که در این تاریخنامه ثبت خواهد شد، باید که راست بود و از کذب و مفتریاتی که در سایر کتب نوشته‌اند معرّا و مبرّا باشد، که اربابِ دانش و اصحابِ بینش به خواندن و نوشتن این حکایات مایل شوند. مبنی بدین امر واجب الامتثال، بندهٔ اضعف در تألیف این تاریخ چندانك امکان داشت کوشید و هر چه نوشت بر پیران و متقدّمان شهر هرات و طایفه‌ای که بر قلم و قدم ایشان اعتماد کلی بود عرض کرد که همه به اتّفاق گفتند: که آنچه در کتابت آوردی راست است و ما

چنین دیده‌ایم و چنین دانسته و از آبا و اجداد خود نیز شنیده» (همان: ۱۷۵).

عدالت و عبرت‌آموزی دو مفهوم کلیدی در بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی

توضیح نویسنده از نحوۀ تألیف تاریخنامه هرات و بهره بردن از نظرات صاحب‌نظران دربارۀ صحت و سقم کتاب و از همه مهمتر نیز هدف وی از این کار که بنیاد نظام فکری او را نیز شکل می‌داده بسیار رسا است و البته بهره‌مندی و فایده بردن آیندگان از این اثر نیز هدف او بوده است. چرا که مورخ از فایده‌مندی تاریخ به عنوان یك دانش معرفت‌بخش و آگاهی‌دهنده برای آیندگان آگاهی داشته و به صورت هدفمند دست به نگارش اثرش زده است. این غایت اندیشی در قاعده‌مند بودن تاریخ از سوی مورخ را در بیان زیر می‌توان دریافت: «بندۀ مؤلف این کتاب یادداشت در این ذکر درج کرد تا خداوندان ملك و خدیوان عالم را تنبیهی بود و بدانند که پادشاهان بی‌دین در باب اهل اسلام به چه صفت مشفق و متلطّف بوده‌اند و نعمت خود به زیردستان رسانده» (همان: ۱۳۱).

به گونه‌ای می‌توان بیان داشت که سیفی هروی کتاب خود را به نوعی عبرت‌نامه شهریاران به ویژه شهریاران غیر مسلمان مغول دانسته، و شاید خواسته است از این طریق به حاکمان مسلمان محلی نیز بگوید که شما که مسلمان هستید بیش از پیش در خصوص رعایت حال زیردستان باید کوشا باشید. او در جای‌جای اثرش به استناد روایات سعی می‌کند که به طور ضمنی به سلطان یادآوری کند که احسان و نیکویی و حسن خلق و گفتار و به خصوص «عدل» از اصول ضروری برای تداوم سلطنت و مشروعیت‌بخشی به سلطان است. از نظر وی «مظلومان و ضعفای خلق»، یعنی مردم عادی و بی‌پناه، «ودایع الهی»اند که تنها پناه آن‌ها در دنیا عدل سلطان است و سلطان عامل رهایی‌بخش و نجات‌دهندۀ آنها از عوامل برهم زنندۀ امنیت می‌باشد (همان: ۲۵۵). این اندیشۀ عدل‌محوری و احسان و حمایت از مستضعفان در بینش سیفی هروی از مبانی اسلامی-شیعی که در مرام فکری پهلوانان و عیاران جامعه ایرانی و به خصوص هراتی غالب بود و سیفی عضوی از آن جامعه بود، گرفته شده است. او در جایی از اثرش این بیت را در ادامۀ سوگند پهلوانان نامی سپاه ملك شمس‌الدین محمد کرت در همت به آبادانی هرات می‌آورد، که نهایت احترام او به ائمه(ع) را می‌رساند:

«به حرمت سه محمد، به حق چار علی به دو حسن به حسین و به موسی و جعفر» (همان: ۲۵۵)؛ همچنین در ضمن وصایای ملك رکن‌الدین محمد مرغنی به جانشینش، می‌آورد که ملك رکن‌الدین با استناد به سخن حضرت علی(ع)، به ملك شمس‌الدین کرت گفت: «... زبان خود را بر اقوال نیک جاری گردان و به فحش و شتم و الفاظ رکیک عادت مده که امیرالمومنین علی کرّم الله وجهه، در وصایاء خود فرموده است که «لسانک یَقتَضیکَ ما دَعَوتَهُ»، و شرف و منزلت آدمیزاد به خرد و هنردانی است نه مال و ثروت» (همان: ۱۸۹).

همچنین سیفی در هنگام نقل مضمون حکم منکوقاآن در سپردن حکومت هرات به ملك شمس‌الدین کرت در بخشی از آن به حدیثی از حضرت علی(ع) استناد می‌کند، و آورده است: «...و به همه انواع چنان سازد که به هیچ وجه از وجوه از قوی بر ضعیف حیفی نرود و بر صغیر از کبیر ظلمی طاری نشود و از سر «اَلظُّلمُ اَوَّلُهُ اِعراضٌ و آخِرُهُ اِنقِراضٌ» بی خبر نباشند ...» (همان: ۲۰۳). در واقع هدف سیفی از استناد به احادیث و روایات اسلامی در هنگام نوشتن تاریخش و رنگ اسلامی دادن به احکام خان بزرگ مغول، منکوقاآن، چیزی غیر از تأکید بر عدالت به عنوان پایه و اساس تداوم سلطنت برای سلاطین ملوک کرت نیست. او هنگامی که درخواست بخشش کردن شرف‌الدین بیتکچی از ملك شمس‌الدین محمد کرت را بیان می‌کند، در واقع قصد دادن یك درس حکومت‌داری به سلطان وقت ملك غیاث‌الدین محمد کرت را دارد؛ از زبان مَلِك می‌نویسد: «...شنوده‌ای که عدل تربیت است مر نیکان را و سیاست است مر بدان را؟! عدل حصنی است خلایق را از صدمات نوایب و سطوات مصایب. قضای این حصن حصین امضای سیاست است و در این قلعۀ متین اقامت حدود شریعت و هر ملك که از مقتضای آفة الملوكِ ضعفُ السیاسة بی‌خبر بود، به زودی قاعدۀ ملکش تزلزل پذیرد و اساس منقبتش خلل یابد...» (همان: ۲۱۲).

در ضمن بیان وصیت ملك شمس‌الدین به فرزندش ملك علاءالدین که قائم‌مقام او در هرات بود، در رعایت

جانب رعایا و فقرا و ضعفا و دوری از ظلم و تعدی، این ابیات سعدی شیرازی را می‌آورد:

«برو پاس درویش محتاج دار
که شاه از رعیت بود تاجدار
رعیت چو بیخ اند و سلطان درخت
درخت ای پسر باشد از بیخ سخت
...خدا ترس را بر رعیّت گمار
که معمار ملک است پرهیزگار
بداندیشِ تُست آن و خونخوار خلق
که نفع تو جوید در آزار خلق
ریاست به دست کسانی خطاست
که از دست شان دست‌ها بر دعاست»
(همان: ۲۹۶-۲۹۵).

اندیشه ایرانشهری در بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی

در بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی به عنوان مورخی ایرانی و حنفی مذهب، اندیشۀ ایران‌شهری و میراث سیاسی ایرانی در قالب پیوند دین و دولت نمود یافته است. او سعی نموده است از اصطلاحات رایج در فرهنگ سیاسی و اندیشۀ حکومت‌داری ایرانی مانند «پادشاه»، «پادشاه‌زاده»، «شهریار»، «شاه‌زادۀ جهان»، «شاهنشاه»، «خدایگان جهان» و «شاه جهان» در کنار «سلطان» و «ملک اسلام» و «ملک ملوک اسلام» در شکل ایرانی اسلامی شدۀ آن استفاده کند و به نوعی حساب‌شده و خردمندانه به حفظ هویت ایرانی اسلامی در مقابل تهاجم همه‌جانبه ارزش‌های طبقه حاکم غالب بپردازد. این مبارزه فرهنگی زمانی نمود آن رساتر می‌شود که سیفی در طی ابیاتی در مدح ملک شمس‌الدین کهین کرت چنین مقام «خاقان» را پست‌تر از ملک می‌نمایاند:

«اگر خاقان بدیدی جاه او را
به دیده روفتی درگاه او را
و گر دیدی سخایش حاتم طی
روانش را ثنا گفتی پیاپی»
(همان: ۳۸۳).

از منظر او خان مغول با عنوان «پادشاه» و جانشین او با عنوان «پادشاه‌زاده» در حکم پادشاه ایرانی شده محسوب می‌شود. او در سراسر تاریخش برای خان‌های مغول و ایلخانان از عنوان «پادشاه» استفاده می‌کند؛ «پادشاه چنگیزخان» (همان: ۱۸۵-۱۸۴)، «پادشاه هولاگو» (همان: ۳۰۱)، «پادشاه ابقاخان» (همان: ۳۱۵، ۳۱۳)، «پادشاه غازان» (همان: ۴۰۹) و برای ولیعهد و قائم‌مقامشان از «پادشاه‌زاده»، «پادشاه‌زاده ارغون» (همان: ۴۱۳، ۲۹۸-۲۹۷، ۳۳۰)، و «شاه‌زاده/ شاه‌زاده جهان»، «شاه‌زاده تُبسین اُقُول» (همان: ۳۸۵) و برای سلاطین کرت هرات که ولی‌نعمتان او بودند از عنوان «ملک ملوک اسلام» (همان: ۲۶۹) و «ملک اسلام» (همان: ۳۵۶، ۳۱۶، ۳۱۴، ۳۰۳) استفاده می‌نماید؛ همچنین در اشعاری که در مدح ملک شمس‌الدین کرت سروده او را با القابی چون «خدایگان جهان» و «شاه جهان» یاد می‌کند:

«خدایگان جهان را جهان مسخّر باد
مکان قدرتش از نُه سِپِهر برتر باد
به فضل ایزد بیچون همیشه شاه جهان
خجسته طالع و فرخنده رای و اختر باد...»
(همان: ۲۲۲).

سیفی به سلاطین کرت به عنوان «شهریار انام فی الایام»، «شاهنشاه دیار عجم» و «ظل‌الله فی الارض» می‌نگرد، این اندیشه را به صراحت در حین ذکر الالقاب ملك غیاث‌الدین بیان می‌کند (همان: ۹۵).

در جایی دیگر از تاریخنامه هرات که به صراحت اندیشۀ ایرانشهری در بینش تاریخ‌نگاری سیفی نمود یافته، مربوط به گزارش او از بازدید شاهزاده تبسین اُقُول از هرات است:

«روز دیگر شاهزاده تُبسین اُقُول از مردم هرات پرسید که «چرا این شهر بی‌خداوند است؟ خلق هرات گفتند که تا ملک شمس‌الدین .... به رحمت حق پیوسته، این مُلک بی مَلِک است و این دیار بی شهریار. و بر خاطر اشرف شاهنشاهی شاهزادۀ جهان .... پوشیده نباشد که رعیت را اگر سری و سروری نبود همه با یکدیگر به تعدّی و تسلّط زندکانی کنند. (شعر دقیقی) ملک بی ملکدار باشد؟ نی
ور بوَد، پایدار باشد؟ نی
بی شهنشه بناء ملک جهان
محکم و استوار باشد؟ نی
خطّه ای را که بی خداوند است
کار او برقرار باشد؟ نی

شـــهـــر را هـــیـــچ حـــامـــی و حـــارس چـــو شـــه و شـــهـــریـــار بـــاشـــد؟ نـــی» (همان: ۳۸۵).

علاوه بر این، سیفی در ضمن اشعار زیر که در مدح ملک شمس‌الدین کهین سروده، به صراحت اندیشۀ ایرانشهری «شاهنشهی» را در بینش تاریخ‌نگاری خود نمایان ساخته است:

«چـو بـر سر نـهـاد آن درخشـــنـده تـاج
ســـتـــانـد از خـدیـوانِ گـیـتـی خـراج
جـــهـــان را بـــه داد و دهـــش رام کـــرد
هـــمـــه کـــارهـــا از پـــی نـــام کـــرد
بـــه بـخـشـــش تـهـی کـرد گـنـجـیـنـه هـا
بـــرون بـــرد از ســـیـــنـــه هـــا کـیـنـه هـا
بـــه گـــیـــتـــی بـــه فـــرزانـــگـــیّ و هـــنـر
سَـــمَـــر شـــد بـــه ســـان نـــیـــا و پـــدر
گـــرفـــت از سـر روز شـــاهـــنـشـــهـــی
چـــو کُـــرتِ جـــهـــانـــگـــیـــر، بـــخـــت مـــهـــی»
(همان: ۳۹۴).

ذکر جزئیات و اهمیت زمان در روش تاریخ‌نگاری سیفی هروی

سیفی هروی در تألیف تاریخنامه هرات ابتدا روایاتی را که دربارۀ بنای هرات بوده آورده و سپس به ذکر احادیثی که دربارۀ این شهر بوده پرداخته است و پس از آن تاریخ شهر هرات و توابع آن را از هجوم شاهزاده تولی‌خان به هرات تا وقایع سال ۷۲۱ق به صورت سالشماری با ذکر وقایع هر سال آورده است. در واقع سیفی هروی ادامه دهنده روش تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی است؛ عنصر زمان در تاریخ‌نگاری او نقش مهمی دارد که با جزئیات تمام ثبت می‌شود؛ جزئیاتی چون روز و ماه و سال و در مواردی که لازم باشد حتی یك روز را نیز به زمان‌های کوتاه‌تر تقسیم می‌کند و از اصطلاحات «بامداد»، «زوالگاه» و «به وقت زوال» به معنی سر ظهر، «نماز پیشین» یعنی ظهر و «نماز دیگر» یعنی عصر، «زردی آفتاب» یعنی نزدیك غروب، «نماز شام» حدود ۱۵ تا۲۰ دقیقه بعد از غروب، «شبگیر» به معنی صبح و سحرگاه، نیز برای ثبت دقیق زمان وقایع استفاده می‌کند (همان، ۷۰۶، ۵۵۴، ۴۴۱، ۴۳۸، ۴۳۶، ۴۳۰، ۳۷۸، ۱۶۸).

توجه به فرهنگ تعزیه

بررسی جامعه‌شناختی آئین‌های تعزیه در جامعه خراسان آن روز از وجوه حائز اهمیت اثر سیفی هروی است. سیفی هروی با دقت هر چه تمام‌تر سعی نموده است نمایی کلی از مراسم عزاداری مردم زمانه‌اش را متناسب با شأن هر گروه ذکر کند. اثر وی دربارۀ نحوۀ مراسم عزاداری و نیز پوشش مردم در مراسم تعزیه و نیز مدت زمان عزاداری، حائز اهمیت فراوانی است. این توجه به عزاداری به عنوان بخشی از فرهنگ عامه یکی از مزیت‌های اثرش و از ویژگی‌های سبک تاریخ‌نگاری او است. از گزارش‌های او می‌توان دریافت که در خراسان عهد ایلخانی زمان مراسم عزاداری سه روز بوده است؛ چنان‌که در ٦٦٢ق که ملک تاج‌الدین خار کشته شد، ملک شمس‌الدین محمد کرت سه روز برای او مراسم ختم قرآن برگزار کرد (همان: ۳۱۰). او در اثرش دربارۀ رسوم حاکم بر عزاداری خراسانی‌ها، به‌خصوص قشر حاکم و اشراف خراسان می‌نویسد:

در شهر هرات در هنگام وفات ملک شمس‌الدین کرت در ۷۰۵ق و همچنین در هنگام وفات ملک فخرالدین کرت در ۷۰٦ ق «رؤوس سپاه و خواص درگاه او موی‌ها بریدند و جامه‌ها پاره کردند و نفیر و ناله و واویلا و وا دریغا و وا حسرتا از منزل سفلی به عالم بالا رسانیدند» (همان: ۵۳۰-۵۲۹، ۴۸۳-۴۸۱)؛ همچنین در این سال پس از کشته شدن دانشمندبهادر در هرات، پس از آمدن طوغان پسر او به هرات، «امرای لشکر یکسر کلاه‌ها بر زمین زدند و موی‌ها ببریدند و یا مصیبتا و یا حسرتا به اوج چرخ زنگاری رساندند» (همان: ۵۲۰).

در واقع بریدن موی و بر زمین زدن کلاه‌ها رسمی شایع در مراسم تعزیه در خراسان عهد ایلخانی بوده است؛ چنان‌که در مراسم تعزیه ملک علاءالدین نیز سران سپاه و بزرگان دربار او «کمرها از میان بگشادند و عمّامه‌ها از سر بینداختند» و تا چهل روز در سوگ او به سر بردند و «لباس دوداندود در پوشیدند» (همان: ٦۱۳-٦۱۲، ٦۰۸). در ۷۱۳ق که ملک علاءالدین برادر ملک غیاث‌الدین محمد کرت، حاکم خیسار و غور، وفات یافت، «وجوه سپاه و اعیان درگاه ... او کمرها از میان بگشادند و عمامه‌ها از سر بینداختند، جزع و فزع و خروش و جوش از میدان سمک به ایوان سماک رساندند...

و سر و پا برهنه ... در فریاد و نفیر... آمدند ...القصه چهل روز بر این صفت ... تمامت خلق غور و گرمسیر در وفات او سر بردند و بر هر خطّه و بلد از خطوط و بلاد خراسان، خصوصاً شهر هرات ...وفات او برساندند، سه روز سکّان و قطّان آنجا بر پلاس ماتم نشستند و لباس دود اندود در پوشیدند...» (همان: ۶۱۳-۶۰۶).

از جمله دیگر رسومی که در مراسم تعزیه هرات در عهد ایلخانی رایج بوده، نوحه‌خوانی بوده است. قشر نوحه‌خوان از جمله اقشار اجتماعی هرات بوده که در مراسم تعزیه حضور می‌یافتند و سیفی هروی در اثرش در جاودان کردن نامشان کوتاهی نکرده است. ملک فخرالدین در ۷۰۰ق نوحه‌گران را از رفتن به مجالس تعزیه، و مقریان را از خواندن قرآن در پیش تابوت منع کرد (همان: ٤٦٤)؛ در واقع قبل از این نوحه‌خوانی و قرآن خواندن در پیش تابوت در تعزیه‌ها مرسوم بوده است. طبق حکم ملک غیاث‌الدین در ۷۱۵ق نیز نوحه‌گران از حضور در مراسم ماتم و خواندن نوحه منع شدند که خود حاکی از تداوم این رسم و ناتوانی حاکمیت از حذف آن از فرهنگ مردم است (همان: ٦٣٣).

روش محلی‌نگاری سیفی هروی (قوم‌شناسی، نسب‌شناسی)

از زمینه‌های قوی در تاریخ محلی، تاریخ خاندانی و نسب‌شناسی و نیز پرداختن به جغرافیای تاریخی است (بلک، ۱۳۹۰: ۱۱۸). از ویژگی‌های بارز روش تاریخ‌نگاری سیفی هروی، محلی‌نگاری است؛ وی با تسلطی که به جغرافیا و اوضاع اجتماعی هرات دارد، به نحو بسیار شایسته از عهدهٔ تألیف چنین اثر تاریخی سترگی دربارهٔ هرات برآمده است. در این اثر سیفی هروی به تمامی وجوه حیات اجتماعی در هرات توجه کرده است؛ از گروه‌های اجتماعی فعال در هرات در عهد مغول و ایلخانی (چون عیاران شکرخوار، حایطیان، نکودریان) گرفته تا ترکیب جمعیتی، مالیات‌ها، مهاجرت‌ها، نظامات و تأسیسات آبیاری، مراکز و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، گروه‌های اجتماعی فرادست و فرودست هرات، نقش زنان در جامعه که به‌طور موردی از یاقوت همسر شرف‌الدین بیتکچی و از شیرین خاتون همسر دانشمند بهادر سردار مغول نام می‌برد (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۵۲۰، ۲۱۳-۲۱۲)؛ نیز خاندان‌های قدیمی هرات چون خاندان مرغنی توجه کرده است. همچنین تاریخنامه هرات حاوی مطالب جالبی دربارهٔ قوم‌شناسی و نیز نسب‌شناسی است که سیفی هروی به خوبی به این موارد متناسب با موضوع اشاره کرده است. در واقع این اثر را در يك دید وسیع‌تر می‌توان جغرافیای تاریخی هرات از سال ۶۱۸ تا ۷۲۱ق به حساب آورد.

برای نمونه سیفی هروی در معرفی قوم حایطی می‌نویسد: «پیش از این به تقریر پیوسته است که این قوم را حایطی از آن گویند که چون کَرَت دوّم ایلجکدای نوئین شهر هرات را بگرفت و فرمود که خلق را ...از چهار دروازه بیرون برند و به قتل رسانند، امیری بینال نام که بر طرف شمال شهر بود خلق را به قتل می‌رساند. طایفه‌ای از ملازمان او گفتند که ای امیر، از اسیران قومی را زنده گذار تا رعیت تو باشند. در جوار مسجد زاغان حایطی بود. بینال بفرمود که از خلق هرات هر که در آن حایط رود او را به جان امان باشد. قرب هزار آدمی... خود را در آن حایط انداختند. از آن روز باز آن طایفه را حایطی می‌خوانند» (همان: ۲۱۵).

یا سیفی در مورد ظهور طایفه «شکرخواران» در هرات می‌نویسد: «در سال سیّم [پس از ویرانی هرات توسط تولوی] کاروانی از مصر به خطا می‌رفت. در حدود بیابان کرمان عیاران شهر هرات آن کاروان را بزدند ... و هنگام قسمت آن غنایم مردی را پنج خروار شکر و نبات و یک خروار جامه از ابریشمینه و نرمینه رسید. شرف‌الدین خطیب و عیاران در آن سال در هرات از خوردن شکر و نبات، حیات تازه و قوت بی‌اندازه یافتند و همه را به جای پایتابهٔ پشمین، جامهٔ مصری بود. و آن جماعت را امروز «شکرخواران» می‌خوانند» (همان: ۱۲۷).

بینش باستانگرایانه سیفی هروی و توجه به مفاخر و قهرمانان باستانی

یکی از ویژگی‌های روش تاریخ‌نگاری سیفی هروی، عنایت ویژه‌ای است که مورخ به نمادهای باستانی و هویت ایرانی دارد. در این ویژگی سیفی هروی تحت تأثیر کرت‌نامه ربیعی فوشنجی است که با لحن حماسی و توجه به نمادهای باستانی ایرانی به سبک شاهنامه فردوسی سروده شده است.

سیفی هروی همچنین در سرودن منظومه‌ای به نام سام‌نامه در شرح دلاوری‌های جمال‌الدین محمد سام نیز تحت تأثیر ربیعی بوده است؛ متأسفانه سام‌نامه، این اثر حماسی در جریان حمله بوجای به هرات جهت انتقام خون پدرش دانشمندبهادر از بین رفته است و فقط بخشی از اشعار آن متناسب با موضوع در تاریخنامه هرات ثبت شده است (همان: ۵۵۳). سیفی هنگامی که نامهٔ جمال‌الدین محمد سام را به ملک فخرالدین مبنی بر کسب تکلیف در مقابله با بوجای پسر دانشمند بهادر نقل می‌کند، به بخشی از سروده‌های ربیعی استناد می‌نماید:

«بعد از حمد بی حدّ حضرت ربّ‌الارباب مطلق...

خداوند نُه طاق نیلی نمای
که ما را خرد داد و تدبیر و رای
جهان آفرینی که بخشنده اوست
خداوند روزی دهِ بنده اوست
... جهاندار و فرمانده و کامیاب
به شاهی درخشنده چون آفتاب
همی تا بود آسمان و زمین
تو بادی شهنشاه تاج و زمین ...»

(سیفی هروی به نقل از ربیعی، ۱۳۸۵: ۵۲۴).

در بخشی از ابیات سام‌نامه که در تاریخنامه هرات ثبت گردیده، سیفی چنین به توصیف رقابت‌های پهلوان جمال‌الدین محمد سام با دیگر پهلوانان هراتی با روحیه حماسی پرداخته شده است:

«بخندید از گفت او پهلوان
بدو گفت: ای ترک روشن روان
مرا نیز مرد سپهدار هست
درین بوم و مرزم بسی یار هست
... گرفتم که با پور سام دلیر
بود چارصد مرد چون نرّه شیر
... سرافراز محمود فهّاد کُرد
چو رستم نماید یکی دستبرد
... تو ای پهلوان یَنکی با گروه
به یُلدُوز یکی حمله بر همچو کوه...»

(همان: ۵۴۳-۵۴۲).

در چند جای از تاریخنامه هرات، سیفی هروی قهرمانان هرات را با قهرمانان باستانی ایران زمین، و نخبگان حاکم بر جامعه را با شاهان حماسی ایران تشبیه می‌کند. به‌خصوص در مواردی از این تشابهات استفاده می‌کند که سرزمین و به‌طور کلی مشترکات هم‌وطنان او مورد تهاجم ارزش‌های قبیله‌ای و رقابت‌های قبایل و الوس‌های چنگیزی قرار می‌گیرند (همان: ۷۰۴، ۵۴۴-۵۴۲). برای نمونه در جریان قتل امیرنوروز -امیر مسلمان مغول در خراسان- که از سرداران مورد احترام سیفی است توسط ملک فخرالدین کرت که به دستور غازان‌خان رخ داد، این اشعار ربیعی را در بزرگی او نقل می‌کند:

«...دریغ از چنان مرد یزدان شناس
که بُد در خورِ آفرین و سپاس
دریغ از چنان خسرو دین پرست
که چندین بتان را به هم در شکست
دریغ از چنان شاه خورشید چهر
که بُد رای او رایت ماه و مهر
دریغ از چنان داور کی نژاد
که بودش همه رادی و دین و داد...»

(همان: ۴۵۱)

همچنین در جنگ پهلوانان هراتی با مبارکشاه پسر بوجای که نماینده اشرافیت مغولی در خراسان است، چنین از پهلوانان هراتی یاد می‌کند: «پهلوان محمد شیخ علی که در رزم رستمی بود و دیگر چون مسافر شکیبائی که در دلیری بیژنی ...» (همان: ۷۰۵).

در جریان هجوم شاهزاده براق از ماوراءالنهر به خراسان در عهد اباقا، سیفی در هنگام گزارش عهدنامهٔ براق به اباقا، از قول براق می‌نویسد: «...آبا و اجداد ما که هر یک جمشید عهد و فریدون عصر بودند ... بنابراین مقدمه، فرستادگانی را که به قول ایشان اعتماد کلی است فرستادم تا عهدنامهٔ من برسانند...» و در ادامه با استفاده از بیان اشعار حماسی ربیعی از کرت‌نامه با مفاهیم ایرانی قصد دارد به طور ضمنی اباقا و شاهزادگان ایلخانی را نماینده ایران در مقابل براق نماینده جغتائیان مغول نشان دهد:

«گر آئی به نزدیک من بی هراس
مرا باشد از تو فراوان سپاس

شب و روز بزم شکارت بود
خجسته یکی روزگارت بود
دو بهره ز ایران گذارم به تو
سپاهی فراوان سپارم به تو
ترا بر مهان کامرانی دهم
بر خود جهان پهلوانی دهم...»
(همان: ۳۳۱-۳۳۰).

بینش واقع‌نگرانه سیفی هروی و استفاده از روش تحلیلی در تبیین وقایع

از دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سیفی هروی برای تبیین یك واقعهٔ تاریخی، به پیروی از سنت تاریخ‌نگاری روایی در تاریخ‌نگاری اسلامی، تمام روایات مربوط به آن را می‌آورد و پس از جرح و تعدیل کردن آن‌ها، به گزینش روایتی می‌پردازد که از نظر او صحیح به نظر می‌رسد و آن را با عبارت «بعضی روات چنین گویند ...امّا اصحّ آن است که ...» شروع می‌کند (همان: ۵۰۳، ۱۶۹-۱۶۸). برای نمونه در مورد آمار کشتار مغول در هرات که قاضی منهاج به طور اغراق‌آمیز گزارش می‌دهد: «که ششصد هزار شهید، در ربع شهر بشمار آمد ...» (جوزجانی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۱)، سیفی هروی با دیدی تحلیل‌گر، ضمن بیان گزارش منهاج به نقد و تحلیل آن می‌پردازد و بیان می‌کند: «... اما اصَحّ آن است که از بیرون شهر هرات چون مولاناء مرحوم شیخ‌الاسلام خواجه ناصرالدین چشتی و امیرکبیر محمود بن خلیل ابن حسام‌الدین الب حاجب و خواجه ابوبکر خنبه‌ای شنودم که ایشان گفتند که ما از پدران خویش که در وقت شاهزاده تولی‌خان در هرات بوده‌اند چنین سماع داریم که ...» (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

علاوه‌بر این، نکتهٔ دیگری که در روش تاریخ‌نگاری سیفی هروی به خوبی نمایان است، تحلیل رویدادهای تاریخی با بیان علل وقوع آن‌ها است که سعی می‌کند به طرز منطقی به تبیین علّی آن‌ها بپردازد. در بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی در جایی نمی‌بینیم که مورخ واقعهٔ تاریخی را بر اساس مشیت‌الهی و یا تقدیرگرایی تحلیل و تفسیر کند، چیزی که تقریباً در همه منابع تاریخ‌نگاری عصر مغول به وفور دیده می‌شود؛ او مورخی واقع‌نگر است و در جای جای اثرش در هنگامی‌که می‌خواهد به تحلیل یك واقعهٔ تاریخی بپردازد، از اصطلاحاتی چون «سبب آن بود»، «به چه واسطه»، «چون مشاهده کرد که...»، «به واسطهٔ این سخن...»، «چه...» (همان، ۷۰٦، ٤۸۵، ٤۷۱، ٤٤۱، ٤۳۲، ٤۰۷، ٤۰۲، ۳۷٦، ۳۰۱، ۲۹۲، ۱۱۱) به کار می‌برد؛ برای نمونه یکی از گزارش‌های سیفی هروی که به خوبی به تبیین علی آن پرداخته، آورده می‌شود:

«راوی چنین گفت که درین سال ٦۸۹ در هرات از مردم صد نفر بیش نبود و در محلتی که صد کدخدای نامدار وطن داشتند دو تن و یا پنج تن بیش از آن محلت نبودند و از غلّه و اقمشه در نهانخانه‌ها و جاهها چندانی مانده بود که کسی را غایت و نهایت در تصوّر نیامدی و چون شب درآمدی هیچ آفریده را زهره و دل آن نبودی که به میان شهر گذر توانستی کرد، **چه**، شهر از خرابی و دهشت چون وادی بود که در فراز و نشیب او غولان بیابانی مأوی و مثوی ساخته بودند... یك سال پیوسته برین نسق که به ذکر پیوست از مردم خالی بود و از اطراف ناایمن و مخوف و خلق متوطن قلعه‌ها و حصارها و احوال عساکر خراسان به‌واسطه خلاف امیرنوروز در تزلزل و کار ضبط ممالك پادشاه وقت نامنظم...»» (همان: ٤۰۷).

استفاده از گزاره‌های شناختی

از دیگر ویژگی‌های روش‌شناسی تاریخ‌نگاری سیفی هروی، استفاده از گزاره‌های شناختی و معرفتی است برای معرفی بهتر مکان‌های جغرافیایی، گروه‌های اجتماعی خاص، افراد ویژه و غیره؛ برای نمونه در معرفی «پهلوان یاراحمد» می‌نویسد: «شخصی بود در غایت جلادت و زور و نهایت تهور و دانای و توانای، او را پهلوان یاراحمد خواندندی؛ محتدش از شهر سجستان بود و مولدش خطهٔ هرات ... بیشتر ایام و لیالی خود را به کشتی‌گیری و تیراندازی منقضی گردانیده بود و هر دو هنر را به کمال حاصل کرده، به قادراندازی چنان ماهر بود... به خدمت ملك مرحوم فخرالدوله‌والدین از مرتبهٔ کشتی‌گیری به معماری رسید و از معماری به مرور ایام و تعاقب لیالی به جانداری نقل‌کرد و تقربی هر چه بیشتر یافت... ملازم مرحوم بودی... و قرب دویست تن از مبارزان و عیاران هروی مرید و هواخواه او بودند» (همان: ۵٤۱).

همچنین در معرفی ملك مجدالدین کالیوینی می‌نویسد: «راوی چنین گفت که ملك مجدالدین کالیوینی بغایت خوب صورت و پاکیزه سیرت بود و در انواع ادب و هنر بی‌نظیر

و به خطّ و بلاغت فایق الاقران و در سوار و تیراندازی یگانهٔ روزگار و در فضل و افضال، بذل و اعطا، بیش از آن که در صفت توان آورد... مَحتِدش دیه زعفران بود و مولدش کالیوین و پدرش خداوند مال و نعمت و صاحب رأی و تدبیر و سیدالرّؤسای بادغیس و شناخته و مرباء سلطان جلال‌الدین محمد خوارزمشاه» (همان: ۱۵۹).

بینش نخبه‌گرایانه

نکته‌ای دیگر که دربارهٔ بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی باید به آن توجه کرد این است که جنبهٔ نخبه‌گرایی در آن زیاد نمود یافته است؛ چنان‌که در همین دو گزارش بیان شده در مورد زندگی پهلوان یاراحمد و نیز ملک مجد کالیوینی نیز بیشتر تلاش نویسنده بر این بوده که اگر قرار است به قشر فرودست جامعه یعنی عیاران توجه شود باز هم به طور گزینشی به آن عیاری توجه می‌شود که در زمانه‌اش به خاطر تربیت یافتن و تلاش به مرحلهٔ نخبگی رسیده است. منظومه «سام‌نامه» را نیز تحت تأثیر بینش نخبه‌گرایانه‌اش درباره پهلوان جمال‌الدین محمد سام، رقیب پهلوان یاراحمد سروده است (همان: ۵۵۳).

بینش و سبک ادیبانه

نثر سیفی هروی به رغم استفاده از آیات و احادیث عربی، سلیس و روان است؛ به نوعی می توان نثر سیفی هروی را نثری بینابین به حساب آورد که هنوز ریشه در دوره‌های قبل زبان فارسی دارد، هر چند از لحاظ به کاربردن صنایع ادبی در متن توسط نویسنده به نوعی کمی رو به تکلف دارد. سیفی هروی يك مورخِ ادیب است که این ویژگی در سبك نگارش تاریخنامه هرات به طور کامل مشهود است؛ او در جای‌جای اثرش که وقایع تاریخی را بیان می‌کند، سعی می‌کند از ابیات شعرای گذشته و معاصرش استفاده کند. از سیاق متن تاریخش چنین برداشت می‌شود که به ادب عربی نیز تسلط داشته است. این نکته از زیادی اشعار و احادیث و کلمات قصاری است که به عربی در تاریخش از شعرا و بزرگان نقل کرده و به توضیح آن‌ها پرداخته و نیز ابیاتی هر چند محدود به عربی از خودش ثبت نموده است (همان: ۳۱۷).

همچنین سیفی هروی منظومهٔ حماسی «سام‌نامه» را نیز تحت تأثیر چنین بینش ادیبانه‌ای با لحن حماسی برای جاودان کردن قهرمانی‌های عیاران هراتی که نمایندهٔ ایرانیت در دفاع جانانه از هرات در برابر سپاهیان دانشمندبهادر و بوجای که نمایندهٔ قوم مغول و بیگانگان بودند، سروده است. سیفی در سرودن سام‌نامه متأثر از کرت‌نامه ربیعی فوشنجی است. برای نمونه سیفی این شعر ربیعی را از کرت‌نامه نقل می‌کند برای توصیف عکس‌العمل بوجای، وقتی که خبر مرگ ملک فخرالدین کرت را شنید:

«چو برخاست از پیش آن نرّه شیر
کنون اندر آیم به بیشه دلیر»

و سپس برای بیان فضای حاکم بر یاران بوجای شعر زیر را از سام‌نامه‌اش نقل می‌کند:

«چو فردا برآید خور خاوری
من و گُرز و میدان و کین آوری»

(همان: ۵۳۳- ۵۳۲).

او در جاودان کردن نام مفاخر و مشاهیر زمانه‌اش نقش مؤثری داشته است. خوشبختانه به یمن وجود کتاب تاریخنامه هرات و ادیب بودن این مورخ، نام و شعر بسیاری از شعرای محلی خراسان، از جمله عبدالله فامی، ربیعی فوشنجی، سعید بن مطهر مشهور به سیف‌الدین باخرزی، ملك فخرالدین کرت، سراج قمری، شمس طبسی، مؤید نسفی و پوربها جامی در این اثر ماندگار شده است (همان، ۵۸۳-۵۸۲، ۳۶۷، ۱۹۰، ۱۷۷، ۱۷٤، ۱٦۱، ۱۱۵) و در دوره‌های بعد تذکره‌نویس‌ها از آن بهره برده‌اند (جاجرمی، ۷٤۱: ۱/۲٤۵-۲٤٤). همچنین بسیاری از مورخین محلی خراسان که پس از او دست به تألیف کتب تاریخی زده‌اند متأثر از سبك و روش وی هستند.

برای نمونه اطلاعات ما از پوربهای جامی شاعر محلی خراسان عهد ایلخانی که از مداحان خاندان خواجه وجیه‌الدین فریومدی است که در عهد ارغون‌خان به تبریز رفته و در دستگاه صاحب‌دیوان شمس‌الدین جوینی مشغول شده است (اقبال، ۱۳۸٤: ۵۳٦) برای نخستین‌بار از کتاب تاریخنامه هرات حاصل شده است. سیفی هروی در حین بیان سخنان خواجه شمس‌الدین جوینی صاحب‌دیوان که در انصراف اباقا از ویران‌کردن هرات در سال ٦۷۵ ق مؤثر واقع شد، به نقل شعر پوربهای جامی از زبان خواجه می‌پردازد. این شعر که بخشی از کارنامهٔ شاعری پوربها محسوب می‌شود،

از آنجا که از زبان صاحب‌دیوان در حضور اباقا بیان می‌شود، بیانگر ارتباط شاعر با این دیواسالار خراسانی نیز می‌باشد؛ پوربها در این شعر به بیان مصیبت‌های وارده بر حیات اجتماعی خراسان به واسطه مالیات‌ها و مرسومات مغولان پرداخته است. سیفی هروی می‌نویسد:

«خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان برپای خاست و بر پادشاه ابقا آفرین فراوان خواند و گفت: (شعر پوربها)

ای خسروی که از ره اقدار نُه فلک
با حضرتت نکرد به رفعت یوتامیشی
خاقان اعظمی که به درگاهت ایستد
دولت به حاجبی و سعادت به چاوشی
عدل تو بست دست جهان از کجاوری
حکم تو کرد کار ممالک بیرمشی
بی امر عالی تو فلک را نمی رسد
اندر میان کار حکومت قتلمشی

... ممالك خراسان خراب است. اگر دیار لشکری بدان طرف حرکت کند این بار به کلی خرابی پذیرد. اگر حکم عالی پادشاهِ جهان نافذ گردد بنده بنده‌زاده پسر خود بهاءالدین را به خراسان فرستد تا ملك‌شمس‌الدین را چنانکه دلخواه پادشاه عالم باشد به بندگی آرد». «پادشاه ابقا فرمود که هر چه تو مصلحت بینی بر آن موجب این کار بساز» (سیفی‌هروی، ۱۳۸۵: ۳٦۷).

مونس‌الاحرار فی دقایق الاشعار محمد بن بدر جاجرمی (تألیف ۷۴۱ق در اصفهان) از منابع ادبی عهد ایلخانی (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱۵) که حاوی اشعار نزدیك به دویست شاعر پارسی‌گوی می‌باشد که امروزه دیوان برخی‌شان مفقود است، از جمله پوربهای جامی، بخشی از اطلاعات خود را دربارهٔ اشعار پوربها از سیفی هروی که دو دهه قبل از او تاریخنامه هرات را نوشته، اقتباس کرده است. جاجرمی در این اثر گزیده‌ای از اشعار سیفی هروی را نیز آورده است (جاجرمی، ۷۴۱: ۲۴۵/۱- ۲۴۴). مصحح تاریخنامه هرات چاپ اساطیر که نگارنده در این پژوهش اساس قرار داده، در تصحیح شعر پوربها موفق به خواندن اسم صاحب شعر نشده است اما نگارنده با تطبیق این شعر و متن تاریخی سیفی هروی با دیگر منابع از جمله مونس‌الاحرار پی به این مهم برده است. لازم به ذکر است که تاریخنامه هرات که نخستین‌بار توسط محمدزبیر صدیقی تصحیح شده بود در سال ۱۳٦۲ ق/۱۹۴۳ م به سعی و اهتمام خان‌بهادر خلیفه محمد اسدالله ناظم کتب‌خانهٔ شاهی کلکته به چاپ سربی رسیده است.

اثرگذاری سیفی‌هروی بر مورخینِ پس از خود

حافظ‌ابرو که آثار وی الگویی برای تاریخنگاران عصر تیموری - عبدالرزاق سمرقندی در مطلع سعدین، میرخواند در روضة الصفا، اسفزاری در روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات و خواندمیر در تاریخ حبیب السیر- می‌باشد (حافظ ابرو، ۱۳۸۹: پانزده)، روش‌تاریخنگاری وی در تاریخ سلاطین کرت و به تبع آن در دیگر آثار تاریخنگارانه‌اش، کاملاً تحت تأثیر سیفی هروی است (همان: ۲۱۸). در واقع حافظ‌ابرو ذکر نسب ملوك‌کرت و وقایع ٦۴۳ تا ۷۲۲ ق را با تلخیص‌کردن، از تاریخنامه هرات نقل‌کرده است بدون آن که نامی از تاریخنامه هرات بیاورد (همان: ۱٦۷-۱). در این قسمت فقط از چهار منبع نام‌برده که شامل تاریخ هرات فامی، تاریخ وصاف، تاریخ غازانی و کرت‌نامه ربیعی (همان: ۱۰۵، ۱۰۲، ۸۱، ۷۲، ۲۸، ۲)؛ البته حافظ ابرو در پایان این اثر تاریخی‌اش که از اتمام حکومت ملوك‌کرت نام‌می‌برد، می‌نویسد: «و علمای هرات در زمان دولت ایشان [ملوك کرت] تاریخ‌ها نوشته‌اند از جمله مولانا سیفی احوال ایشان را مشروح نوشته است» (همان: ۲۱۸) فارغ از آن‌که قید کند که از تاریخنامه وی استفاده‌کرده است. وقایع ۷۲۲ تا ۷۸۳ق ملوك کرت را که به عنوان ذیلی بر تاریخنامه هرات می‌توان به حساب آورد، حافظ ابرو دقیقاً به روش تاریخنگاری سیفی هروی نقل می‌کند (همان: ۲۱۹-۱٦۷)؛ یعنی ضمن ذکر منابع کارش و به روش روائی -تحلیلی به زبان فارسی روان. حافظ‌ابرو درباره منابع گردآوری اطلاعاتش می‌نویسد: «آن‌چه از اخبار ملوك‌کرت که بعضی به رأی‌العین مشاهده افتاده و بعضی از تقریر ناقلان معتمد و راویان معتبر معلوم و مفهوم گشته این است که شرح داده آمده» (همان: ۲۱۹).

از آنجا که تاریخ سلاطین کرت حافظ ابرو در بر دارندهٔ تاریخ خراسان در تمام دورهٔ ایلخانی است، و نیز از جایی که تاریخ سیفی هروی به پایان می‌رسد تا پایان این دوره، اطلاعات حافظ‌ابرو مرجع و پایهٔ کار مورخان بعدی قرار گرفته، اهمیت این اثر دوچندان می‌شود. اسفزاری در روضات الجنات فی

اوصاف مدینة هرات که آن را در فاصله زمانی ۸۹۷ تا ۸۹۹ق تألیف کرده است، در روضهٔ هفتم این اثر که دربارهٔ ملوك‌کرت هرات می‌باشد، تا وقایع ۷۲۱ق رونویسی از سیفی هروی است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/ ۵۲۲-۳۹۳). نکته‌ای که خود مؤلف نیز به آن اشاره کرده‌است: «ذکر ملوك‌کرت در تاریخ که سیفی هروی نوشته تا این محل بیش نیست و تتمهٔ احوال ملوك‌کرت را سیفی مذکور حواله به دفتر دوم کرده که مسطور خواهد گشت، و درین ایام از دفتر دوم تاریخ آل کرت هیچ کس نشان نداد غالباً وعده بود و بوفاء نرسید» (همان: ۵۲۲/۱).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر بینش و روش حاکم بر تاریخ‌نگاری سیفی هروی در تاریخنامه هرات بررسی گردید که پس از پاسخ به سؤال اصلی پژوهش -«سیفی هروی با چه بینش و روشی به نگارش تاریخنامه هرات پرداخته است؟» ضمن بررسی پاسخ اولیه - نتایج زیر حاصل گردید: پس از بررسی و تأمل در تاریخنامه هرات مشخص گردید که هرچند سیفی هروی تاریخش را تحت حمایت حکومت وقت نوشته، اما به مسائل اجتماعی مرتبط با سایر گروه‌های اجتماعی جامعه هرات چون عیاران و پهلوانان هراتی که جزو اقشار فرودست اما نخبهٔ جامعه محسوب می‌شدند نیز توجه نموده است. او مورخی محلی‌نگار بوده که به جغرافیای تاریخی هرات و توابع آن اشراف کامل داشته است. از لحاظ روش‌شناسی تاریخی، روش تاریخنگاری سیفی هروی تنها روش روایی صرف نبوده، بلکه تلفیقی از سنت تاریخ‌نگاری روایی و تحلیلی می‌باشد که برای تبیین وقایع تاریخی تنها به ذکر مستندات تاریخی اکتفا ننموده است، بلکه با بینشی واقع‌نگرانه و منصفانه با استفاده از ارائهٔ گزاره‌های تاریخی و جرح و تعدیل این گزاره‌ها و داده‌های تاریخی متنوع، دست به گزینش زده تا به حقیقت تاریخی دست یابد.

از لحاظ بینشی در نظام فکری و در بینش تاریخ‌نگاری سیفی هروی هدف از پرداختن به تاریخ فایده‌مندی برای آیندگان و تنبیه و آگاهی بخشی برای نخبگان حاکم بر جامعه به طور خاص و برای عوام به طور عام می‌باشد؛ همچنین سیفی هروی در ضمن آن، توجهی ویژه به هویت ایرانی و نمادهای باستانی در تاریخ‌نگاری خود داشته است. همچنین او تحت تأثیر اندیشهٔ ایران‌شهری و میراث سیاسی ایرانی که در قالب پیوند دین و دولت در آثار او نمود یافته است، سعی نموده از اصطلاحات رایج در فرهنگ سیاسی و اندیشهٔ حکومت‌داری ایرانی و نیز شکل ایرانی اسلامی شدهٔ آن‌ها استفاده کند و از هویت ایرانی اسلامی در مقابل ارزش‌های طبقه حاکم غالب دفاع نماید؛ در این راستا دو مفهموم محوری در اندیشهٔ تاریخ‌نگاری او عدالت و عبرت‌آموزی است. از این لحاظ او تحت تأثیر بینش شریعتمدارانه‌اش و به خصوص آموزه‌های عدالت‌خواهی تشیع بوده است. از لحاظ سبک نگارش نیز نثر ادیبانهٔ او در سرتاسر تاریخش که یگانه تاریخ محلی خراسان در عهد ایلخانی می‌باشد، مشهود است. نثر وی نثری بینابین محسوب می‌شود که تحت تأثیر بینش ادیبانه و نیز بینش شریعت‌مدارانهٔ او که جزو علمای مذهبی محسوب می‌شد، با استفاده از صنایع ادبی و اشعار و نیز احادیث و امثال عربی رو به تکلف دارد. حافظ ابرو که مورخ رسمی و نیز مقدم بر سایر مورخان عصر تیموری می‌باشد، در کتاب تاریخ سلاطین کرت مستقیماً متأثر از روش تاریخنگاری سیفی هروی است. در واقع حافظ ابرو با نوشتن این اثر به تقلید از تاریخنامه هرات، روش تاریخنگاری سیفی هروی را که متأثر از سنت تاریخ‌نگاری ایران در عهد مغول و ایلخانی بود، به مورخان عصر تیموری منتقل نمود.

فهرست منابع

۱. ابونصری هروی، قاسم بن یوسف. (۱۳۴۷). ***رساله طریق قسمت آب قُلْب***. با مقدّمه نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۲. اسفزاری، معین‌الدین. (۱۳۳۸). ***روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات***. ج۱. به کوشش سید محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.

۳. اشپولر و دیگران. (۱۳۸۸). ***تاریخ‌نگاری در ایران***. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.

٤. اقبال آشتیانی، عبّاس. (۱۳۸۴). ***تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری***. تهران: امیرکبیر.

۵. بلک، جرمی. (۱۳۹۰). ***مطالعه تاریخ***. ترجمه محمد تقی ایمان‌پور. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۶. جوزجانی، قاضی منهاج‌سراج. (۱۳۸۹). ***طبقات ناصری.*** جلد۲. تصحیح، مقابله و تحشیه عبدالحی‌حبیبی. تهران: اساطیر.

۷. حافظ ابرو. (۱۳۸۹). ***تاریخ سلاطین کرت.*** تصحیح میرهاشم محدث. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

۸. حسینی، مهدی. (۱۳۸۵). «نسخه مصور مونس الاحرار»، ***گلستان هنر.*** شماره ٦، ۱۲۲-۱۱۵.

۹. چلونگر، محمدعلی. احمدی اختیار، مهدی. زینعلی، بهمن. (۱۳۹۲). «تاریخ‌نگاری محلی در دوره‌ی مغول و شاخصه‌های آن»، ***پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران.*** سال اول. (شماره سوم). صص ۸۲- ٦۵.

۱۰. فصیحی خوافی، فصیح احمدبن جلال الدین محمد. (۱۳۳۹). ***مجمل فصیحی.*** تصحیح محمود فرخ. مشهد: کتابفروشی باستان.

۱۱. قدیمی قیداری، عباس. (۱۳۸۸). «تاریخنگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگارِ زن در ایران». ***پژوهش‌های تاریخی.*** دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان. شماره ۱، ۱۲۸- ۱۱۳.

۱۲. کبیری، غلامحیدر، ۱۳۸۹/۵/۲۳. اداره‌ی مرکزی پوهنتون هرات.

۱۳. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۵۲). ***حماسه سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری.*** تهران: امیرکبیر.

۱٤. سیفی هروی، سیف بن محمد بن یعقوب. (۱۳٦۲ ق/ ۱۹۴۳م/ ۱۳۵۲ش). ***تاریخنامه هرات.*** تصحیح محمد زبیر صدیقی. تهران: کتابخانه خیام.

۱۵. سیفی هروی، سیف‌بن محمد بن یعقوب. (۱۳۸۱). ***پیراسته تاریخنامه هرات.*** به‌کوشش محمد آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

۱٦. سیفی هروی، سیف بن محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). ***تاریخنامه هرات.*** تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر.

۱۷. **مونس‌الاحرار فی دقایق الاشعار محمد بن بدر جاجرمی.** نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۱۱۲۷۲.

۱۸. نصیری، عبدالرئوف. (۱۳۸۹). «آل کرت و مناسبات قدرت در شرق ایران». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد،*** دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.